

تحلیل نقش بازیگران داخلی عراق در تقابل ایران و آمریکا؛ با رویکرد نظریه بازی

علی الهادی خیرالله وحید^۱، حسین رفیع^۲، علی اکبر جعفری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

چکیده: سیاست خارجی عراق در طول دو دهه اخیر همواره تحت تأثیر تنش‌های میان ایران و آمریکا بوده و نقش بازیگران داخلی عراق (احزاب سیاسی و گروه‌های فشار) در تعیین مسیر این سیاست غیرقابل انکار است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که «بازیگران داخلی عراق در تقابل ایران و آمریکا چه نقشی بازی می‌کنند؟». در پاسخ، این فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که «بازیگران داخلی عراق در تقابل ایران و آمریکا نقش بی‌ثبات سازی سیاست خارجی را ایفا می‌کنند». یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احزاب و گروه‌های فشار در عراق، به سه گروه کلی «حامیان ایران و مخالفان آمریکا»، «حامیان آمریکا و مخالفان ایران» و «موازنه‌گران و بی‌طرفان» تقسیم می‌شوند. این سه گروه در کنار «ایران» و «آمریکا» پنج بازیگر را تشکیل داده‌اند که در زمین بازی کشور عراق در حال رقابت با یکدیگر هستند. برای تحلیل این روند، پژوهش حاضر از نظریه بازی استفاده کرده است که با طرح مدل «بازی موازنه قدرت چندوجهی» قصد دارد نحوه تعامل استراتژیک این پنج بازیگر و تأثیر نحوه بازی آن‌ها بر سیاست خارجی عراق را تحلیل و بررسی کند. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی بوده و داده‌ها از طریق بررسی اسناد، تحلیل اخبار و مطالعات علمی معتبر در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست عراق گردآوری شده‌اند.

واژگان اصلی: آمریکا، ایران، بازیگران داخلی، عراق، گروه‌های فشار، سیاست خارجی

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای علی الهادی خیرالله وحید در گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه مازندران است که استاد راهنما آقای دکتر حسین رفیع و استاد مشاور آقای دکتر علی اکبر جعفری هستند.

^۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

^۲. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول) h.raffie@umz.ac.ir

^۳. استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه

عراق در موقعیت ژئوپلیتیکی حساسی در خاورمیانه قرار دارد و از زمان سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ به صحنه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، به‌ویژه ایران و آمریکا، بدل شده است. حضور نظامی ایالات متحده و نفوذ سیاسی-امنیتی ایران موجب شده، سیاست خارجی عراق نه صرفاً بر پایه منافع ملی بلکه تحت فشارهای خارجی شکل گیرد. ایران با تکیه بر گروه‌هایی چون حشد الشعبی نفوذ خود را اعمال می‌کند؛ در حالی که آمریکا با حضور نظامی و ابزارهای اقتصادی درصدد مهار این نفوذ است.

ویژگی مهم سیاست خارجی عراق، نقش پررنگ بازیگران غیررسمی است. احزاب سیاسی، گروه‌های شبه‌نظامی، نهادهای مذهبی و رسانه‌ها علاوه بر دولت و ارتش، در تعیین رویکرد خارجی کشور اثرگذارند. برخی از این گروه‌ها به سمت نزدیکی به ایران گرایش دارند و برخی دیگر به آمریکا، که این امر موجب چندپارگی در تصمیم‌گیری‌ها شده است. برای تحلیل این وضعیت می‌توان از نظریه بازی بهره برد. در الگوی «موازنه قدرت چندوجهی»، پنج بازیگر اصلی حضور دارند: گروه‌های طرفدار ایران، گروه‌های طرفدار آمریکا، نیروهای بی‌طرف داخلی، ایران و آمریکا. هرکدام از این بازیگران استراتژی‌هایی چون همکاری، تقابل یا چانه‌زنی را دنبال می‌کنند و دولت عراق ناچار است در این میان راهی برای حفظ توازن بیابد. با این حال، وابستگی اقتصادی و فشارهای داخلی استقلال عمل آن را محدود کرده است.

چالش اصلی سیاست خارجی عراق ناشی از تضاد منافع ایران و آمریکا است. واشنگتن پس از اشغال عراق به دنبال تبدیل آن به متحدی راهبردی بود، اما نفوذ گسترده ایران مانع تحقق کامل این هدف شد. در مقابل، تهران از طریق حمایت از گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامی، جایگاه قدرتمندی به دست آورد. هم‌زمان، تحریم‌های آمریکا علیه ایران و فشار بر گروه‌های نزدیک به آن، پیامدهایی مستقیم بر اقتصاد و امنیت عراق داشته و بغداد را در موقعیتی دشوار قرار داده است. این پژوهش با تمرکز بر نقش گروه‌های فشار و احزاب سیاسی در شکل‌دهی به سیاست خارجی عراق، نشان می‌دهد که بازیگران داخلی نه تنها بازتاب‌دهنده رقابت ایران و آمریکا هستند، بلکه خود نیز به عاملی برای بی‌ثباتی سیاست خارجی تبدیل شده‌اند.

روش تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی و بهره‌گیری از نظریه بازی برای مدل‌سازی تعاملات استراتژیک است. داده‌ها از اسناد رسمی، گزارش‌های خبری و پژوهش‌های علمی در حوزه روابط بین‌الملل گردآوری می‌شود. هدف نهایی، ارائه تحلیلی جامع از چگونگی اثرگذاری نیروهای داخلی بر سیاست

خارجی عراق در بستر رقابت ایران و آمریکا و یافتن راهکارهایی برای فهم بهتر این روند پیچیده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به نقش احزاب و گروه‌های فشار در سیاست داخلی و خارجی عراق پرداخته‌اند؛ هرچند تاکنون مطالعه‌ای جامع در خصوص تأثیر مستقیم آنان بر سیاست خارجی عراق در قبال تنش‌های ایران و آمریکا در چارچوب نظریه بازی صورت نگرفته است. با این حال برخی آثار مرتبط قابل اشاره‌اند. سامر (۲۰۲۴) در مقاله‌ی «اسلامی و فرقه‌ای یا سکولار و ملی‌گرا؟ طبقه‌بندی جدید بازیگران سیاسی شیعه عراق بر اساس لنگرگاه ایدئولوژیک» نشان می‌دهد که گرایش‌های ایدئولوژیک و هویت فرقه‌ای نقش مهمی در مواضع سیاست خارجی گروه‌های شیعه دارد. منصور و جبار (۲۰۱۷) در کتاب «نیروهای حشد الشعبی و آینده عراق» نقش این نیروهای شبه‌نظامی را در سیاست داخلی و خارجی، به‌ویژه در تقابل با آمریکا و نزدیکی به ایران، به‌طور جامع بررسی کرده‌اند. جبوری (۲۰۲۳) در کتاب «نقش رهبران در دامن زدن به اختلافات قومی: مورد عراق» نشان می‌دهد رهبران سیاسی با بهره‌گیری از شکاف‌های قومی و مذهبی بر سیاست خارجی اثر می‌گذارند. حما و عبدالله (۲۰۲۱) در مقاله‌ی «احزاب سیاسی و نظام سیاسی کردستان عراق» و ویسی (۲۰۲۴) در مقاله‌ی «احزاب و گروه‌های سیاسی در اقلیم کردستان عراق» به تحلیل سیستم حزبی اقلیم پرداخته و استدلال می‌کنند که احزاب کردی، همچون «حزب دموکرات کردستان» و «اتحادیه میهنی کردستان»، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود سیاستی دوگانه در قبال ایران و آمریکا اتخاذ کرده‌اند. هربرت (۲۰۱۸) در «گروه‌های نخبگان در عراق چه کسانی هستند و چگونه قدرت را اعمال می‌کنند؟» نخبگان سیاسی و اقتصادی را عامل کنترل سیاست‌های کلان می‌داند. همچنین، کرمانج (۲۰۲۱) در مقاله‌ی «نقش احزاب سیاسی در روند همگرایی ملی در عراق» بر این باور است که تعدد و رقابت احزاب مانع تدوین سیاست خارجی مستقل و پایدار شده است.

برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به تحلیل ایدئولوژیک، قومی یا تاریخی احزاب و گروه‌های فشار پرداخته‌اند، این پژوهش مدل‌سازی ریاضی و تحلیلی را برای بررسی تعاملات استراتژیک بازیگران داخلی و خارجی به کار می‌گیرد. نوآوری این مطالعه در کاربرد نظریه بازی و طراحی «مدل موازنه قدرت چندوجهی» است که نشان می‌دهد چگونه تصمیمات سیاست خارجی عراق تحت تأثیر تعاملات همزمان گروه‌های داخلی و فشارهای خارجی قرار می‌گیرد.

۳. مبانی نظری

۳.۱. نظریه بازی^۱

نظریه بازی از ابزارهای تحلیلی مهم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که برای مطالعه تعاملات استراتژیک میان بازیگران به کار می‌رود. اهمیت آن زمانی آشکار می‌شود که تصمیمات یک بازیگر به اقدامات دیگران وابسته باشد. این نظریه بر فرض رفتار عقلانی بازیگران استوار است که می‌کوشند با انتخاب استراتژی‌های مناسب بیشترین منفعت را کسب کنند (Osborne, 2004: 11). در حوزه روابط بین‌الملل، نظریه بازی کاربرد گسترده‌ای در تحلیل روابط قدرت، مذاکرات دیپلماتیک و رقابت‌های ژئوپلیتیکی دارد. مدل‌هایی مانند «معضل زندانی»^۲، «بازی بزدل»^۳ و «بازی موازنه قدرت»^۴، ابزاری برای تبیین تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها و گروه‌های سیاسی فراهم می‌کنند (Morrow, 1994: 3-4). این پژوهش نظریه بازی را چارچوب اصلی خود قرار داده تا نقش احزاب و گروه‌های فشار عراق را در سیاست خارجی این کشور بررسی کند. با توجه به حضور همزمان ایران و آمریکا، سیاست خارجی عراق به مثابه یک «بازی چندوجهی» است که در آن تعاملات داخلی و فشارهای خارجی هم‌زمان شکل‌دهنده تصمیمات بغداد هستند.

۳.۲. تشریح مدل «بازی موازنه قدرت چندوجهی»

در نظریه بازی، هر بازیگر براساس منافع و واکنش دیگران استراتژی خود را انتخاب می‌کند. سیاست خارجی عراق در قبال تنش‌های ایران و آمریکا شامل پنج بازیگر اصلی است: احزاب و گروه‌های فشار نزدیک به ایران، احزاب نزدیک به آمریکا، گروه‌های خشی، ایران و آمریکا. هر یک برای حفظ یا گسترش نفوذ خود رویکردی متفاوت برمی‌گزینند. گروه‌های نزدیک به ایران بر خروج نیروهای آمریکایی تأکید دارند؛ در حالی که طرفداران آمریکا خواستار تداوم روابط استراتژیک بغداد با واشنگتن هستند (Hinnebusch, 2003: 194-195). ایران با حمایت از شبه‌نظامیان و همکاری‌های اقتصادی نفوذ خود را تقویت می‌کند، در مقابل آمریکا با تحریم‌ها، فشار دیپلماتیک و حضور نظامی به دنبال مهار ایران است (Pollack, 2019: 169).

این پژوهش از مدل «بازی موازنه قدرت چندوجهی» بهره می‌گیرد که ترکیبی از «بازی استراتژیک

1. Game Theory

2. Prisoner's Dilemma

3. Chicken Game

4. Balance of Power Game

چندبازیگره^۱ و «معضل زندانی»^۲ است. در این مدل سه استراتژی اصلی تعریف می‌شود:

استراتژی تهاجمی (S1): تلاش برای افزایش نفوذ و حذف رقبای داخلی یا خارجی.

استراتژی موازنه‌ای (S2): حفظ موقعیت موجود و مدیریت تعارضات.

استراتژی انفعالی (S3): کاهش درگیری مستقیم و پذیرش تغییرات ایجادشده.

به‌عنوان مثال، اگر احزاب و گروه‌های فشار وابسته به ایران (G1) استراتژی تهاجمی (S1) را انتخاب کنند و بر خروج آمریکا از عراق فشار آورند، آمریکا نیز ممکن است استراتژی تقابلی (S1) را انتخاب کند و از تحریم‌های اقتصادی یا حمایت از احزاب مخالف ایران استفاده کند. این مدل کمک می‌کند تا دینامیک‌های سیاست خارجی عراق در چارچوب یک بازی پیچیده استراتژیک بررسی شده و پیامدهای هر استراتژی برای بازیگران مختلف تحلیل شود.

کاربرد نظریه بازی در این مطالعه چند مزیت دارد: نخست، امکان تحلیل سیستماتیک رفتار بازیگران داخلی و خارجی و تأثیر متقابل تصمیمات آن‌ها؛ دوم، تبیین وابستگی‌های متقابل سیاست خارجی عراق، جایی که اقدامات آمریکا یا ایران مستقیماً بر گروه‌های داخلی اثر می‌گذارد؛ سوم، فراهم کردن ابزار پیش‌بینی و شبیه‌سازی سناریوهای آینده که برای سیاست‌گذاران عراقی و تحلیلگران روابط بین‌الملل ارزشمند است. در مجموع، این چارچوب نشان می‌دهد سیاست خارجی عراق محصول تعامل هم‌زمان فشارهای خارجی و بازیگران داخلی است.

۴. گروه‌های فشار و احزاب تأثیرگذار بر سیاست خارجی عراق

سیاست خارجی عراق پس از سقوط صدام حسین (۲۰۰۳) تحت تأثیر شبکه‌ای متنوع از احزاب و گروه‌های فشار قرار دارد که بر اساس منافع ایدئولوژیک، قومی و مذهبی خود با قدرت‌های خارجی تعامل می‌کنند. در این ساختار، احزاب شیعه نقش پررنگ‌تری در جهت‌دهی به سیاست خارجی داشته‌اند؛ در حالی که احزاب سنی با وجود کاهش نفوذ در آغاز، طی دو دهه اخیر بخشی از جایگاه خود را بازیافته‌اند. احزاب کرد نیز به دلیل سازمان‌یافتگی و پیشینه تاریخی، همواره بازیگرانی مهم و اثرگذار در عرصه داخلی و خارجی بوده‌اند. برخی از این گروه‌ها گرایش به تهران دارند؛ برخی دیگر روابط با آمریکا و کشورهای عربی خلیج فارس را ترجیح می‌دهند و گروه‌هایی نیز رویکردی موازنه‌گرا اتخاذ کرده‌اند. این تنوع موجب شده سیاست خارجی عراق همواره با کشمکش داخلی

¹. Multi-Player Strategic Game

². Prisoner's Dilemma

همراه باشد.

۴.۱. شیعیان

گروه‌های فشار و احزاب شیعی نقش‌ی کلیدی در سیاست خارجی عراق، به‌ویژه در قبال تنش‌های ایران و آمریکا ایفا می‌کنند. پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، احزاب شیعی به بازیگران اصلی در ساختار سیاسی عراق تبدیل شدند و بسیاری از آن‌ها روابط نزدیکی با ایران برقرار کردند. در این میان، گروه‌هایی مانند مجلس اعلای اسلامی، حزب الدعوة، جریان صدر، حشد الشعبی و مرجعیت نجف هر کدام استراتژی‌های متفاوتی در تعامل با ایران و آمریکا اتخاذ کرده‌اند. برخی از این گروه‌ها به‌عنوان حامیان نفوذ ایران در عراق شناخته می‌شوند؛ درحالی‌که برخی دیگر از این گروه‌ها سعی در حفظ استقلال سیاسی عراق از هر دو قدرت خارجی دارند. این تنوع دیدگاه‌ها و رقابت میان احزاب شیعی، سیاست خارجی عراق را به میدان کشمکش داخلی و خارجی تبدیل کرده است که در آن تعاملات قدرت، منافع اقتصادی و امنیتی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

۴.۱.۱. مجلس اعلای اسلامی^۱

مجلس اعلای اسلامی عراق که در سال ۱۹۸۲ و در جریان جنگ ایران و عراق با حمایت جمهوری اسلامی تأسیس شد، از مهم‌ترین احزاب شیعه و ابزارهای نفوذ ایران در عراق به شمار می‌رود (الزبیدی، ۲۰۰۷: ۵۲۱). پس از سقوط صدام در ۲۰۰۳، این حزب به یکی از ستون‌های اصلی قدرت سیاسی بغداد بدل شد و در تصمیم‌گیری‌های کلان، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، نقشی برجسته ایفا کرد. مجلس اعلای اسلامی همواره از گسترش روابط با ایران و خروج نیروهای آمریکایی از عراق حمایت کرده و در کاهش نفوذ واشنگتن نقش‌آفرین بوده است (Isakhan & Mulherin, 2018: 362-363).

این حزب با هماهنگی دیگر گروه‌های شیعی، سیاست‌هایی را در پیش گرفته که به تقویت همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک با تهران منجر شده و مقاومت در برابر فشارهای آمریکا را افزایش داده است (Hinnebusch, 2003: 194). ارتباط نزدیک مجلس اعلای اسلامی با شبه‌نظامیان نزدیک به ایران مانند حشد الشعبی نیز یکی از ابزارهای اصلی نفوذ آن در ساختار سیاست خارجی عراق بوده است. به همین دلیل، ایالات متحده این حزب را متهم کرده که به گسترش نفوذ ایران و تضعیف نهادهای مستقل عراقی دامن زده است. در بحران‌هایی همچون ترور سردار قاسم

^۱. Islamic Supreme Council of Iraq (SCIRI)

سلیمانی در ۲۰۲۰ و حملات آمریکا به گروه‌های طرفدار ایران، مجلس اعلای اسلامی آشکارا در کنار تهران ایستاد و بر مواضع بغداد تأثیر گذاشت. با این حال، در سال‌های اخیر برخی رهبران حزب کوشیده‌اند رویکردی منعطف‌تر اتخاذ کنند تا از تشدید تنش‌های ایران و آمریکا جلوگیری کنند (Sommer, 2024: 18-19).

۴.۱.۲. حزب الدعوة

حزب الدعوة الاسلامیه^۱، یکی از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین احزاب شیعه عراق، نقشی کلیدی در سیاست خارجی این کشور، به‌ویژه در قبال تنش‌های ایران و آمریکا، ایفا کرده است. این حزب در دهه ۱۹۵۰ با هدف مبارزه با رژیم بعث و ترویج گفتمان شیعه اسلام‌گرا تأسیس شد و در دوران صدام حسین، بسیاری از رهبران آن به ایران و سایر کشورهای منطقه تبعید شدند (Akhavi, 1988: 414). پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، حزب الدعوة به یکی از مهم‌ترین بازیگران سیاسی عراق تبدیل شد و رهبران آن، از جمله نوری المالکی و حیدر العبادی، به مقام نخست‌وزیری رسیدند. ارتباط تاریخی این حزب با ایران و حمایت تهران از آن در دوران مبارزه علیه صدام، موجب شد که سیاست خارجی عراق تحت نفوذ تهران قرار گیرد.

در دوران نخست‌وزیری نوری المالکی (۲۰۱۴-۲۰۰۶)، روابط بغداد و واشنگتن به دلیل حمایت او از نفوذ ایران دچار چالش شد (Isakhan & Mulherin, 2018: 371). اما در دوران حیدر العبادی (۲۰۱۸-۲۰۱۴)، حزب الدعوة تلاش کرد تا سیاستی متوازن‌تر اتخاذ کند و روابط عراق با آمریکا را بهبود بخشد؛ درحالی‌که همچنان ارتباط نزدیکی با ایران حفظ شد (Sayigh, 2015: 3). این حزب، برخلاف گروه‌هایی مانند حشد الشعبی، وابستگی مطلق به ایران ندارد و سعی کرده است میان تهران و واشنگتن موازنه برقرار کند. با این حال، الدعوة همچنان از خروج نیروهای آمریکایی از عراق حمایت می‌کند و در بحران‌هایی مانند ترور سردار قاسم سلیمانی، از مواضع ایران دفاع کرده است. این حزب در بیانیه‌ای اعلام کرد: «شهادت نماینده‌ی امام خامنه‌ای را به‌شدت محکوم می‌کنیم... این جنایت تروریستی نشان می‌دهد که آمریکا هیچ احترامی برای حاکمیت عراق قائل نیست» (RUDAW, 03-01-2020). آینده نقش حزب الدعوة در سیاست خارجی عراق بستگی به توانایی آن در حفظ تعادل میان نفوذ ایران و فشارهای آمریکا دارد.

^۱. Islamic Dawa Party

۴.۱.۳. جریان صدر

جریان صدر به رهبری مقتدی صدر، یکی از برجسته‌ترین جریان‌های شیعه عراق است که نقشی تعیین‌کننده در سیاست، امنیت و روابط خارجی این کشور دارد. برخلاف بسیاری از گروه‌های شیعی نزدیک به ایران، این جریان موضعی ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه اتخاذ کرده و بر این باور است که عراق نباید ابزار نفوذ ایران یا آمریکا باشد. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، جیش المهدی، شاخه نظامی جریان صدر، در مقاطع مختلف علیه حضور نیروهای آمریکایی مقاومت مسلحانه کرد (Khalaf, 2021: 8-13). درعین حال، صدر کوشیده است روابط خود با ایران را در سطحی متوازن نگاه دارد و از وابستگی کامل به تهران پرهیز کند.

اعتراضات مردمی ۲۰۱۹ علیه فساد و نفوذ خارجی نقطه عطفی در مواضع صدر بود؛ زیرا او تلاش کرد خود را رهبری ملی‌گرا و مستقل معرفی کند و آشکارا از نفوذ بیش از حد ایران انتقاد نمود (Euro-Med Monitor, 2019: 5). وی همچنین بارها خواستار خروج تمام نیروهای خارجی، اعم از آمریکایی یا گروه‌های مورد حمایت ایران، از عراق شده است (Khalaf, 2021: 8-13). بااین حال، برخی تحلیلگران معتقدند که صدر در مواقع بحرانی همچنان با تهران هماهنگی دارد. نمونه بارز آن واکنش به ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس بود؛ او در حالی که آمریکا را محکوم کرد، مانع ورود عراق به یک رویارویی مستقیم میان تهران و واشنگتن شد (Ibrahim, 14/01/2020). این رویکرد نشان می‌دهد که جریان صدر به دنبال تقویت استقلال عراق، کاهش تنش‌های منطقه‌ای و جلوگیری از تبدیل کشور به میدان جنگ نیابتی است. با وجود این، آینده سیاسی صدر به شدت به شرایط داخلی عراق و سطح تنش‌های ایران و آمریکا وابسته خواهد بود.

۴.۱.۴. حشد الشعبی^۱

در جریان نبرد با داعش، ضعف ارتش عراق زمینه‌ساز نقش‌آفرینی پررنگ شبه‌نظامیان شیعه شد که با حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان حشد الشعبی را شکل دادند. هسته اصلی این نیرو، سازمان بدر بود که ریشه‌های آن به دهه ۱۹۸۰ و آموزش‌های سپاه بازمی‌گردد (Sakai et al., 2022: 15). حشد الشعبی امروز به یکی از بازیگران اصلی سیاسی-نظامی عراق تبدیل شده و در تعیین سیاست خارجی بغداد، به‌ویژه در تقابل ایران و آمریکا، نقشی تعیین‌کننده دارد. بخش بزرگی از جناح‌های آن از جمله کتائب حزب‌الله، عصائب اهل الحق و النجباء وابستگی مستقیم به ایران دارند و

^۱. Popular Mobilization Forces (PMF)

بخشی از محور مقاومت محسوب می‌شوند (Mansour & Jabar, 2017: 3-4).

پس از شکست داعش، حشد الشعبی صرفاً یک نیروی نظامی باقی نماند، بلکه جایگاهی محوری در عرصه سیاست عراق یافت. این گروه با موضع‌گیری‌های آشکار علیه حضور نظامی ایالات متحده، یکی از اصلی‌ترین حامیان خروج نیروهای آمریکایی از عراق بوده است. ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس نقطه عطفی در تشدید تنش میان آمریکا و حشد الشعبی بود و این تقابل، به افزایش نزدیکی بغداد و تهران یاری رساند. در حال حاضر، حشد الشعبی نه تنها از تعمیق روابط ایران و عراق پشتیبانی می‌کند، بلکه تلاش نموده موقعیت بغداد را در محور مقاومت تثبیت نماید (Egel, Johnston & Connable: 2023: 1). نفوذ گسترده این نیرو در ساختارهای امنیتی و سیاسی عراق سبب شده است که سیاست خارجی کشور، به‌ویژه در موضوع روابط با ایران و آمریکا، تا حد زیادی متأثر از فشارها و جهت‌گیری‌های حشد الشعبی باشد؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیری در این حوزه بدون در نظر گرفتن نقش آن عملاً ناممکن است.

۴.۱.۵. مرجعیت نجف (آیت‌الله سیستانی)

مرجعیت نجف، به‌ویژه آیت‌الله سید علی سیستانی، یکی از مهم‌ترین نهادهای دینی و سیاسی در عراق است که تأثیر عمیقی بر تحولات داخلی و سیاست خارجی این کشور دارد. برخلاف بسیاری از گروه‌های شیعه که وابستگی نزدیکی به ایران دارند، مرجعیت نجف همواره تلاش کرده است موضعی مستقل و ملی‌گرایانه اتخاذ کند و عراق را از تبدیل شدن به یک میدان جنگ نیابتی میان ایران و آمریکا بازدارد. آیت‌الله سیستانی به‌عنوان بالاترین مرجع تقلید شیعیان عراق، از ابتدای سقوط رژیم صدام در سال ۲۰۰۳، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ ثبات سیاسی و تدوین قانون اساسی عراق داشته و از مدل «ولایت فقیه» حاکم بر ایران فاصله گرفته است (Khalaji, 2006: 15). این استقلال فکری، او را به یک وزنه تعادل در برابر نفوذ ایران و مداخلات آمریکا در عراق تبدیل کرده است. در زمینه تنش‌های ایران و آمریکا، آیت‌الله سیستانی همواره خواستار حفظ حاکمیت ملی عراق و پرهیز از وابستگی به هر دو طرف بوده است. او نه تنها از خروج نیروهای آمریکایی حمایت کرده، بلکه درعین‌حال تأکید داشته که نهادهای عراقی نباید تحت کنترل هیچ نیروی خارجی، ازجمله گروه‌های وابسته به ایران، قرار گیرند. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که مرجعیت نجف برخلاف برخی گروه‌های شیعه، به‌دنبال تداوم نقش عراق به‌عنوان یک بازیگر مستقل در سیاست منطقه‌ای است. علاوه بر این، سیستانی از دموکراسی، اصلاحات داخلی، مبارزه با فساد و ایجاد دولتی که به

منافع ملی عراق متعهد باشد، حمایت کرده است (Kadom, 2018: 50-54). در مجموع، مرجعیت نجف، برخلاف گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامیان، نقشی تعدیل‌کننده در سیاست خارجی عراق ایفا کرده و تلاش کرده است کشور را از ورود به رقابت‌های مخرب میان ایران و آمریکا دور نگه دارد.

۴.۲. اهل سنت

پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، نخبگان سیاسی سنی با کندی در روند دولت‌سازی مشارکت کردند و تجربه محدودی در سازمان‌دهی حزبی داشتند. این ضعف ریشه در دوران بعث داشت که طی آن تنها حزب بعث اجازه فعالیت داشت و سنی‌ها عملاً فاقد سابقه حزبی بودند. بنابراین، پس از سقوط رژیم، امکان ایجاد حزبی فراگیر که نماینده جامعه اهل تسنن باشد، فراهم نشد. تنها حزب اسلامی عراق که میراث‌دار اخوان‌المسلمین در دهه ۱۹۵۰ بود، فعالیت خود را آغاز کرد، اما نتوانست پایگاه اجتماعی و سیاسی پایدار به دست آورد (الزبیدی، ۲۰۰۷: ۳۲۱-۳۲۲). پس از آن، اهل سنت بارها شاهد شکل‌گیری احزاب و رهبران جدید بودند، اما بیشتر این تلاش‌ها عمر کوتاهی داشت. با این حال، تحولات اخیر نشان می‌دهد که از سال ۲۰۲۱ به بعد، چند حزب سنی نوظهور فعال شده‌اند که در میان آن‌ها «تقدم» و «عزم» بیش از دیگران توانسته‌اند جایگاه مؤثرتری در صحنه سیاسی عراق بیابند.

۴.۲.۱. حزب تقدم (محمد الحلبوسی)

پنجمین انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۲۱ نقطه عطفی برای اهل تسنن عراق محسوب می‌شود. در آستانه‌ی این انتخابات نسل قدیم نخبگان سیاسی اهل تسنن (مانند اسامه النجیفی و سلیم الجبوری)، از صحنه خارج شدند و نسل جدیدی از رهبران ظهور کرد. یکی از نمایندگان این نسل جدید محمد الحلبوسی است که به‌عنوان استاندار استان الانبار خدمت کرده است. او در دوران نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی به‌عنوان رئیس پارلمان انتخاب شد و در همین دوره، یک حزب سیاسی جدید به نام تقدم را تشکیل داد که در میان جوانان حمایت گسترده‌ای کسب کرده است (Sakai et al., 2022: 17).

الحلبوسی به‌عنوان چهره‌ای عمل‌گرا شناخته می‌شود که توانایی بالایی در مذاکره و شبکه‌ای گسترده از روابط داخلی و خارجی دارد. در انتخابات ۲۰۲۱، حزب تقدم با کسب ۳۷ کرسی پس از جریان صدر در جایگاه دوم قرار گرفت. این موقعیت، الحلبوسی را به سمت نزدیکی بیشتر با ایران سوق

داد؛ او با سفر به تهران توانست حمایت‌های لازم را برای تثبیت جایگاه سیاسی خود جلب کند. حزب تقدم به طور سنتی رویکردی محتاطانه و نزدیک به ایران داشته و الحبوسی نیز پیش‌تر دیدارهایی با شهید قاسم سلیمانی داشته است (Jabbouri, 2023: 48-49). امروزه این حزب یکی از مهم‌ترین احزاب سنی عراق محسوب می‌شود و در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی نقشی محوری ایفا می‌کند. تلاش حزب برای برقراری ارتباط با گروه‌های شیعه همسو با ایران و معرفی خود به عنوان جریان سنی واقع‌گرا، موجب شده تا در سیاست خارجی عراق موضعی متعادل و موازنه‌گر اتخاذ کند.

۴.۲.۲. ائتلاف العزم (خمیس الخنجر)

ائتلاف العزم، از برجسته‌ترین ائتلاف‌های سنی عراق، در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱ به عنوان رقیب اصلی حزب تقدم ظاهر شد. این ائتلاف تحت رهبری خمیس الخنجر، از چهره‌های بانفوذ سیاسی و اقتصادی اهل سنت، شکل گرفته و نقش قابل توجهی در سیاست داخلی و خارجی عراق ایفا می‌کند (Sakai et al., 2022: 17). هرچند ریاست رسمی آن بر عهده مثنی السامرای است، اما نفوذ و قدرت اصلی در دست الخنجر قرار دارد. در مقایسه با محمد الحلبوسی که چهره‌ای نوظهور محسوب می‌شود، الخنجر تجربه و جایگاهی دیرینه دارد و مسیر و رویکردهای العزم به شدت به شخصیت و راهبردهای او وابسته است. او در گذشته از نزدیک‌ترین متحدان عدی صدام به شمار می‌رفت، اما پس از سقوط رژیم بعث، مسیر متفاوتی در پیش گرفت. در دوره داعش، ابتدا حمایتی محدود داشت اما سپس با پشتیبانی ترکیه، نیروی «گارد نینوا» را برای مقابله با داعش سازمان داد. خمیس الخنجر با شبکه‌ای گسترده از رهبران منطقه‌ای چون محمد بن زاید، محمد بن سلمان، تیمیم بن حمد و رجب طیب اردوغان ارتباط دارد و روابط نزدیکی را با اخوان المسلمین، قطر، امارات، عربستان و ترکیه حفظ کرده است. این جایگاه، او و ائتلاف العزم را به یکی از بازیگران مهم سیاست خارجی عراق تبدیل کرده است (Jabbouri, 2023: 53-54). العزم خود را مدافع منافع اهل سنت معرفی کرده و با حمایت مالی رهبر خود، در بازسازی مناطق سنی‌نشین سرمایه‌گذاری کرده است. هم‌زمان، این ائتلاف تلاش دارد روابط عراق با ایالات متحده و کشورهای عربی خلیج فارس را تقویت کند. به همین دلیل، می‌توان آن را بخشی از محور عربی-آمریکایی دانست که در پی موازنه‌سازی در برابر نفوذ ایران است. با این حال، آینده نقش العزم به شدت به تحولات داخلی میان جناح‌های شیعه و سنی و سیاست‌های متعارض واشنگتن و تهران بستگی خواهد داشت.

۴.۳. کردها

برخلاف اهل تسنن عراق، که سابقه‌ای فعال و پویا در تشکیل احزاب نداشته‌اند، کردهای این کشور از نخستین روزهای شکل‌گیری عراق، به‌صورت منظم و هدفمند به ایجاد و سازمان‌دهی احزاب پرداخته‌اند. در واقع، سرنوشت کردستان عراق با احزاب برخاسته از این اقلیم گره خورده است. در حال حاضر، چندین حزب کردی در عراق فعالیت دارند که «حزب دموکرات کردستان» و «اتحادیه میهنی کردستان» از دیگر احزاب تأثیرگذارتر و پرنفوذتر هستند (هلالات، ۱۴۰۳). در دو دهه اخیر، نگرانی‌های آمریکا از تلاش‌های ایران برای تقویت روابط با احزاب کردی در کردستان عراق، موجب شده است که ایالات متحده و ایران به‌طور غیرمستقیم در این منطقه در برابر یکدیگر قرار گیرند. اهمیت وضعیت سیاسی عراق در آینده برای هر دو کشور باعث شده است که ایالات متحده و ایران برای تأثیرگذاری بر تحولات جدید سیاسی، در کردستان عراق فعالانه حضور داشته و برای نفوذ بر احزاب کردی تلاش نمایند.

۴.۳.۱. حزب دموکرات کردستان^۱

حزب دموکرات کردستان عراق که در سال ۱۹۴۶ توسط مصطفی بارزانی تأسیس شد، یکی از تأثیرگذارترین احزاب سیاسی اقلیم کردستان عراق است و نقشی مهم در تحولات داخلی و سیاست خارجی عراق ایفا می‌کند. این حزب که اکنون تحت رهبری مسعود بارزانی قرار دارد (Hama & Abdullah, 2021: 754)، به‌عنوان یک نیروی سیاسی قدرتمند در اقلیم کردستان شناخته می‌شود و روابط نزدیکی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه ترکیه و ایالات متحده آمریکا، دارد (Waisy, 2024: 40). حزب دموکرات کردستان دارای روابط دیرینه و استراتژیک با ایالات متحده آمریکا است. این رابطه از زمان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تقویت شد (Hama, 2022: 3). حمایت نظامی و اقتصادی واشنگتن از اقلیم کردستان، به‌ویژه در دوران مبارزه با داعش، باعث شده است که رهبری حزب دموکرات کردستان تمایل به حفظ روابط نزدیک با آمریکا داشته باشد و از ادامه حضور محدود نیروهای آمریکایی در عراق حمایت کند (Sommer, 2021: 63). در قبال تنش‌های ایران و آمریکا در عراق، حزب دموکرات کردستان تلاش کرده است سیاستی متوازن اما بیشتر متمایل و همسو با سیاست‌های آمریکا اتخاذ نماید.

^۱. Kurdistan Democratic Party (KDP)

۴.۳.۲. اتحادیه میهنی کردستان^۱

اتحادیه میهنی کردستان، که در سال ۱۹۷۵ توسط جلال طالبانی تأسیس شد، یکی از احزاب اصلی اقلیم کردستان عراق به شمار می‌رود و نقشی کلیدی در تحولات سیاسی داخلی و سیاست خارجی عراق ایفا می‌کند (Hevian, 2013: 98). این حزب، برخلاف حزب دموکرات کردستان که روابط نزدیکی با ایالات متحده و ترکیه دارد، همواره روابط مستحکم‌تری با ایران داشته است. این نزدیکی بر مواضع اتحادیه میهنی در قبال تنش‌های ایران و آمریکا در عراق تأثیر گذاشته و آن را به بازیگری متمایل به ایران تبدیل کرده است. در برخی مقاطع، این حزب سیاست‌هایی همسو با تهران اتخاذ کرده و از افزایش نفوذ ایران در عراق استقبال نموده است (Jabbouri, 2023: 60). به واسطه این روابط، اتحادیه میهنی کردستان در مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی مواضعی اتخاذ کرده که با منافع ایران همخوانی داشته است، درحالی‌که حزب دموکرات کردستان رویکردی متفاوت در پیش گرفته است. این تمایز در روابط خارجی دو حزب، بر تعاملات آن‌ها با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر بسزایی داشته و به عاملی تعیین‌کننده در معادلات سیاسی کردستان عراق تبدیل شده است. بنابراین، اتحادیه میهنی کردستان نقشی برجسته در شکل‌دهی به سیاست‌های عراق، به‌ویژه در زمینه مناسبات با ایران و آمریکا، ایفا می‌کند.

۵. تحلیل نظری یافته‌ها

بر اساس آنچه در بخش پیشین بررسی شد، سیاست خارجی عراق در قبال تنش‌های ایران و آمریکا تحت تأثیر نقش‌آفرینی گروه‌های فشار و احزاب قرار دارد. هر یک از این بازیگران، در تعامل با دو قدرت خارجی (ایران و آمریکا)، استراتژی‌های متفاوتی اتخاذ می‌کنند که بر تصمیمات دولت عراق اثرگذار است. با بهره‌گیری از «نظریه بازی» و طراحی مدل «بازی موازنه قدرت چندوجهی»، می‌توان پویایی و پیچیدگی‌های تأثیرپذیری سیاست خارجی عراق از کنش‌های گروه‌های فشار و احزاب در مواجهه با تنش‌های ایران و آمریکا را تحلیل کرد.

۵.۱. بازیگران و گرایش‌شان

نخست باید بازیگران و گرایش‌ات و مواضع سیاسی‌شان را مشخص کرد. پس از انجام این کار می‌توان بازیگران را بر اساس گرایش‌ات و مواضعشان گروه‌بندی نمود. بر اساس یافته‌های تحقیق،

^۱. Patriotic Union of Kurdistan (PUK)

بازیگران این بازی به شرح زیر هستند:

ردیف	بازیگر	گرایش و مواضع سیاسی
۱	مجلس اعلای اسلامی	متمايل به ايران
۲	حزب الدعوة	متمايل به ايران
۳	جریان صدر	موازنه گر و بی طرف
۴	حشد الشعبی	وابسته به ايران
۵	مرجعیت نجف (آیت الله سیستانی)	بی طرف و موازنه گر
۶	حزب تقدم	موازنه گر
۷	ائتلاف العزم	متمايل به آمریکا
۸	حزب دموکرات کردستان	متمايل به آمریکا
۹	اتحادیه میهنی کردستان	متمايل به ايران
۱۰	ايران	ضد آمریکا
۱۱	آمریکا	ضد ايران

۵.۲. گروه بندی

بر اساس جدول بالا پنج گروه را می توان از هم تمیز داد. به صورت کلی؛ بازیگرانی که «متمايل به ايران و وابسته به ايران» هستند، گروه «احزاب و گروه های فشار موافق ايران و مخالف آمریکا» را تشکیل می دهند. بازیگرانی که «متمايل به آمریکا» هستند؛ گروه «احزاب و گروه های فشار موافق آمریکا و مخالف ايران» را تشکیل می دهند. بازیگرانی که «بی طرف یا موازنه گر» هستند؛ گروه «احزاب و گروه های فشار خشی» را تشکیل می دهند. همچنین «ايران» و «آمریکا» نیز، هر کدام به تنهایی دو گروه دیگر را در این بازی تشکیل می دهند. این گروه بندی را می توان در جدول زیر مشاهده کرد:

ردیف	گروه ها	شاخصه و ویژگی	نام اختصاری
۱	احزاب و گروه های فشار موافق ايران و مخالف آمریکا	بازیگر داخلی: متمايل یا وابسته به ايران	G1

G2	بازیگر داخلی: متمایل به آمریکا	احزاب و گروه‌های فشار موافق آمریکا و مخالف ایران	۲
G3	بازیگر داخلی: موازنه‌گر یا بی‌طرف	احزاب و گروه‌های فشار خنثی	۳
G4	بازیگر خارجی: ضد آمریکا	ایران	۴
G5	بازیگر خارجی: ضد ایران	آمریکا	۵

۵.۳. استراتژی‌های هر بازیگر در این بازی

پس از شناسایی بازیگران، مواضع آن‌ها و تعیین گروه‌بندی‌ها، اکنون باید استراتژی‌ها و شیوه رفتار هر یک را در این بازی مشخص کنیم. با بررسی گروه‌های فشار و احزاب تأثیرگذار بر سیاست خارجی عراق، می‌توان به طور کلی سه استراتژی برای رفتار آن‌ها در نظر گرفت:

استراتژی اول (S1): سیاست تهاجمی (افزایش نفوذ / کاهش نفوذ رقا)

استراتژی دوم (S2): سیاست موازنه‌ای (حفظ وضعیت موجود / چانه‌زنی)

استراتژی سوم (S3): سیاست انفعالی (کاهش درگیری مستقیم / تطبیق با شرایط)

۵.۴. میزان امتیازبندی (میزان منفعت یا زیان)

هر یک از بازیگران، بر اساس مواضع سیاسی خود و استراتژی انتخابی، میزان مشخصی از امتیاز یا منفعت کسب می‌کنند. جدول امتیازبندی به صورت زیر ارائه می‌شود:

میزان امتیاز (میزان منفعت یا زیان)	شرح
+۳	بیشترین منفعت برای بازیگر
+۲	منفعت بالا

منفعت نسبی	+۱
وضعیت بی تأثیر یا تعادل	۰
زیان نسبی	-۱
بیشترین زیان	-۲

۵.۵. ماتریس برگزیدن استراتژی

اکنون در ماتریس زیر بررسی می‌کنیم که اتخاذ هر یک از استراتژی‌ها توسط بازیگران چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت:

استراتژی بازیگر	استراتژی اول (S1)	استراتژی دوم (S2)	استراتژی سوم (S3)
G1	حمایت از خروج آمریکا از عراق و تقویت نفوذ ایران	تقویت گروه‌های محور مقاومت عراقی در برابر حضور آمریکا	مذاکره با دولت برای افزایش سهم شیعیان در حکومت
G2	حمایت از حضور آمریکا در عراق و کاهش نفوذ ایران	همکاری با کشورهای عربی برای مقابله با ایران	فشار به دولت برای کاهش همکاری اقتصادی با ایران
G3	تلاش برای حفظ تعادل میان ایران و آمریکا	حمایت از دولت در اتخاذ سیاست بی‌طرفی	پیشنهاد مدل‌های جایگزین همکاری منطقه‌ای
G4	افزایش نفوذ سیاسی و نظامی در عراق	اعمال فشار اقتصادی و امنیتی برای خروج آمریکا	حمایت از نیروهای شیعه برای تأثیرگذاری بر دولت

G5	تقویت حضور نظامی و اقتصادی در عراق	تحریم ایران از طریق عراق و کاهش همکاری‌های اقتصادی بغداد با تهران	فشار به دولت عراق برای مهار گروه‌های محور مقاومت عراقی
----	------------------------------------	---	--

۵.۶. ماتریس امتیازبندی

بدیهی است که انتخاب هر استراتژی توسط یک بازیگر، به میزان معینی بر منفعت سایر بازیگران تأثیر می‌گذارد. با مشخص شدن پیامدهای هر استراتژی برای بازیگران، اکنون می‌توان ماتریس امتیازبندی را ترسیم کرد.

استراتژی‌ها بازیگران	تهاجمی (S1)		موازنه‌ای (S2)		انفعالی (S3)	
	میزان / منفعت	تأثیر بر سیاست‌های داخلی / خارجی عراق	میزان / منفعت	تأثیر بر سیاست‌های داخلی / خارجی عراق	میزان / منفعت	تأثیر بر سیاست‌های داخلی / خارجی عراق
احزاب و گروه‌های فشار موافق ایران و مخالف آمریکا (G1)	+۲ برای G1	حمایت از خروج آمریکا و افزایش نفوذ ایران	+۱ برای G1	حفظ نفوذ در پارلمان و شبه‌نظامیان	۰ برای G1	کاهش تنش با آمریکا
	-۱ برای G2		+۱ برای G2		+۲ برای G2	
	+۲ برای IR		+۱ برای IR		۰ برای IR	
	-۲ برای US		-۱ برای US		+۲ برای US	
احزاب و گروه‌های فشار مخالف	-۱ برای G1	حمایت از آمریکا و مقابله با ایران	+۱ برای G1	همکاری با کشورهای عربی و	+۲ برای G1	کاهش تنش با ایران
	+۲ برای G2		+۱ برای G2		۰ برای G2	

	۰ برای IR	پارلمان	۲- برای IR		۲- برای IR	ایران و موافق آمریکا (G2)
	۲+ برای US		۲+ برای US		۲+ برای US	
کاهش نقش سیاسی خود	۱+ برای G3	حمایت از سیاست بی طرفی	۲+ برای G3	تلاش برای توازن	۰ برای G3	احزاب و گروه های فشار خشی (G3)
	۱- برای G1		۰ برای G1		۱+ برای G1	
	۱- برای G2		۰ برای G2		۱+ برای G2	
	۰ برای IR		۰ برای IR		۱+ برای IR	
	۰ برای US		۰ برای US		۱+ برای US	
کاهش حمایت از گروه های مقاومت عراقی	۱- برای IR	حفظ نفوذ در عراق بدون افزایش تنش	۱+ برای IR	افزایش فشار بر دولت عراق و خروج آمریکا	۳+ برای IR	ایران (IR)
	۳+ برای US		۱+ برای US		۲- برای US	
	۱+ برای G1		۱+ برای G1		۲+ برای G1	
	۱+ برای G2		۱+ برای G2		۱- برای G2	
کاهش حضور در عراق و تمرکز بر رقابت های دیگر	۳+ برای IR	حفظ حضور محدود و تعامل با دولت عراق	۱+ برای IR	تحریم های شدید و فشار برای کاهش نفوذ ایران	۲- برای IR	آمریکا (US)
	۱- برای US		۱+ برای US		۳+ برای US	
	۱- برای G1		۱+ برای G1		۱- برای G1	
	۱+ برای G2		۱+ برای G2		۲+ برای G2	

۵.۷. تحلیل نتایج سیاست خارجی عراق

بر اساس مدل ارائه شده، سیاست خارجی عراق می تواند در سه مسیر اصلی شکل گیرد:

۱	سناریوی نزدیکی به ایران	پیامد: افزایش نفوذ ایران در عراق و کاهش حضور آمریکا
		واکنش: اعمال تحریم های آمریکا علیه عراق و تشدید درگیری های داخلی
		نتیجه: بی ثباتی داخلی، فشار اقتصادی، و خطر افزایش تنش های نظامی
۲	سناریوی نزدیکی به آمریکا	پیامد: حفظ حضور نظامی آمریکا و کاهش نفوذ ایران
		واکنش: ایران از طریق گروه های محور مقاومت عراقی، فشار بیشتری وارد می کند
		نتیجه: افزایش خشونت های داخلی، احتمال وقوع جنگ نیابتی
۳	سناریوی سیاست موازنه گری	پیامد: تلاش برای حفظ تعادل میان ایران و آمریکا
		واکنش: کاهش تنش های خارجی، اما فشار داخلی از سوی گروه های تندرو
		نتیجه: ثبات نسبی سیاسی، اما نیازمند مدیریت پیچیده تعارضات داخلی

در کل سیاست خارجی عراق بر اساس مدل «بازی موازنه قدرت چندوجهی» نشان می دهد که این کشور نمی تواند به طور کامل به یکی از دو قدرت اصلی، یعنی ایران یا آمریکا، متمایل شود؛ زیرا هرگونه گرایش افراطی به یکی از این بازیگران می تواند منجر به افزایش تنش های داخلی و فشارهای خارجی شود. در این میان، سیاست موازنه گری بهترین گزینه برای حفظ ثبات داخلی و کاهش تنش های منطقه ای است. این سیاست به عراق اجازه می دهد تا ضمن مدیریت فشارهای داخلی از سوی گروه های طرفدار ایران و آمریکا، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی خود را حفظ کند. برای موفقیت در این مسیر، عراق باید نقش گروه های خشی را تقویت کرده و از ظرفیت های آنان برای کاهش تنش های داخلی بهره برد. همچنین، توصیه می شود که بغداد روابط اقتصادی خود را با بازیگران مستقل جهانی مانند اتحادیه اروپا و چین گسترش دهد تا وابستگی های اقتصادی به ایران و آمریکا کاهش یابد. اصلاح ساختار امنیتی برای محدود کردن نفوذ گروه های شبه نظامی و تقویت نیروهای دولتی، در کنار توسعه دیپلماسی منطقه ای و ایفای نقش میانجی گرانه در تنش های ایران و

آمریکا، می‌تواند جایگاه عراق را به‌عنوان یک بازیگر مستقل در معادلات منطقه‌ای تثبیت کند.

۶. نتیجه‌گیری

سیاست خارجی عراق در قبال تنش‌های ایران و آمریکا تحت تأثیر شبکه‌ای پیچیده از بازیگران داخلی و خارجی شکل می‌گیرد. احزاب و گروه‌های فشار شیعه، سنی و کردی هرکدام بر اساس منافع و وابستگی‌های خاص خود بر تصمیمات بغداد اثر می‌گذارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گروه‌هایی همچون مجلس اعلای اسلامی، حزب الدعوة، حشد الشعبی و اتحادیه میهنی کردستان گرایش بیشتری به ایران داشته و از کاهش نفوذ آمریکا حمایت می‌کنند. در مقابل، ائتلاف العزم و حزب دموکرات کردستان بر تقویت روابط با آمریکا، کشورهای عربی و ترکیه تأکید دارند. در این میان، جریان صدر، مرجعیت نجف و حزب تقدم سیاستی موازنه‌گرا اتخاذ کرده‌اند تا عراق را از پیامدهای مستقیم تنش میان تهران و واشنگتن دور نگه دارند. این تنوع رویکرد موجب شده سیاست خارجی عراق فاقد انسجام پایدار باشد و همواره در نوسان میان دو قدرت قرار گیرد.

چارچوب نظری پژوهش با مدل «بازی موازنه قدرت چندوجهی» نشان می‌دهد که دولت عراق به دلیل فشارهای داخلی و خارجی، ناگزیر به سیاست موازنه‌گری است. ایران از طریق گروه‌های همسو به‌طور مستمر در پی کاهش حضور آمریکا است، در حالی که واشنگتن با حمایت از نیروهای هم‌پیمان و ابزارهایی چون تحریم، تلاش دارد نفوذ تهران را محدود سازد. این وضعیت دولت عراق را در برابر دو انتخاب دشوار قرار می‌دهد: پذیرش نفوذ ایران و افزایش فشار آمریکا یا تقویت روابط با واشنگتن و تحمل واکنش گروه‌های طرفدار ایران.

برای غلبه بر این بن‌بست، راهبرد بهینه تقویت موازنه‌گری از طریق کاهش وابستگی به هر دو قدرت و گسترش روابط با بازیگران مستقل جهانی همچون اروپا، چین و روسیه است. همچنین اصلاح ساختارهای امنیتی داخلی و کاهش وابستگی به گروه‌های شبه‌نظامی می‌تواند حاکمیت ملی را تقویت کند. در سطح داخلی، گفت‌وگوی سازنده میان احزاب شیعه، سنی و کردی جهت تدوین سیاست خارجی ملی ضروری است. افزون بر این، عراق می‌تواند با ایفای نقش میانجی در کاهش تنش‌های ایران و آمریکا، از «زمین رقابت» به «بازیگر فعال» منطقه‌ای تبدیل شود. موفقیت این رویکرد وابسته به توانایی عراق در حفظ تعادل میان بازیگران داخلی و خارجی و تدوین راهبردی پایدار خواهد بود.

۱. هلاللات، عماد (۱۴۰۳). سیاست و حکومت در اقلیم کردستان عراق، نشر جوبنده.
۲. الزبيدي، حسن لطيف (۲۰۰۷). موسوعة الاحزاب العراقية، الناشر مؤسسة العارف للمطبوعات.
3. Akhavi, S. (1988). Islam, politics and society in the thought of Ayatullah Khomeini, Ayatullah Taliqani and Ali Shariati. *Middle Eastern Studies*, 24(4), 404–431. <https://doi.org/10.1080/00263208808700754>
4. Egel, D., Johnston, T., & Connable, B. (2023). *The Future of the Iraqi Popular Mobilization Forces: Lessons from Historical Disarmament, Demobilization, and Reintegration Efforts*. Santa Monica, CA: RAND Corporation.
5. Euro-Med Monitor (2019). Iraqi Protests: An Audacity to Kill and Absent Justice. *Euro-med Human Rights Monitor*, 1-23.
6. Hama, H. H. (2022). The rise and fall of movement for change in the Kurdistan region of Iraq (2009–2018). *Asian Journal of Comparative Politics*, 7(3), 539-558. <https://doi.org/10.1177/2057891120905902>
7. Hama, H. H., & Abdullah, F. H. (2021). Political parties and the political system in Iraqi Kurdistan. *Journal of Asian and African studies*, 56(4), 754-773. <https://doi.org/10.1177/0021909620941548>
8. Herbert, S. (2018) *Who are the Elite Groups in Iraq and How do they Exercise Power? K4D Helpdesk Report*. Brighton, UK: Institute of Development Studies.
9. Hevian, R. (2013). The main Kurdish political parties in Iran, Iraq, Syria, and Turkey: A research guide. *Middle East Review of International Affairs (Online)*, 17(2), 94.
10. Hinnebusch, R. (2003). *The International Politics of the Middle East*. Manchester University Press.
11. Ibrahim, A. (14/01/2020). Sadr calls for 'million-man march' against US presence in Iraq. *Aljazeera*. <https://aje.io/qesjf>
12. Isakhan, B., & Mulherin, P. E. (2018). Shi'i division over the Iraqi state: decentralization and the Islamic Supreme Council of Iraq. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 47(3), 361–380. <https://doi.org/10.1080/13530194.2018.1500268>
13. Jabbouri, F. (2023). *The Role of Leadership in Fueling Ethnic Divisions: The Case of Iraq*. Washington State University.
14. Kadom, A. J. (2018). *Grand Ayatollah Al Sistani's role in Iraq after 2003: a critical analysis of historical texts and the perceptions of Iraqi diaspora*. Doctoral dissertation, University of Southern Queensland.

15. Khalaf, Y. N. (2021). Muqtada al-Sadr from Opposition to Power: Democracy of the Cleric in Iraq After 2003. *Studia Orientalne*, 1(19), 7-26. <http://dx.doi.org/10.15804/so2021101>
16. Khalaji, M. (2006). *The Last Marja: Sistani and the End of Traditional Religious Authority in Shiism*. Washington Institute for Near East Policy.
17. Mansour, R. & Jabar, F. A. (2017). *The popular mobilization forces and Iraq's future (Vol. 28)*. Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
18. Morrow, J. D. (1994). *Game Theory for Political Scientists*. Princeton University Press.
19. Osborne, M. J. (2004). *An Introduction to Game Theory*. Oxford University Press.
20. Pollack, K. M. (2019). *Armies of Sand: The Past, Present, and Future of Arab Military Effectiveness*. Oxford University Press.
21. RUDAW, (03-01-2020). Dawa Party calls on the Iraqi government to reconsider its relationship with the United States. <https://www.rudawarabia.net/arabic/middleeast/iraq/0301202011>
22. Sakai, k., Yoshioka, A.; Yamao, D. & Al-Hammood, A. T. (2022). *From Protest to Ballot Box; 2021 election in Iraq and its national, regional and local consequences*. Chiba University.
23. Sayigh, Y. (2015). Haidar al-Abadi's first year in office: what prospects for Iraq. *Norwegian Peacebuilding Resource Center*, 1(1), 1-8.
24. Sommer, F. (2021). Geopolitics of Iraqi Kurdistan: A Role of External and Internal Actors in Kurdish Issue.
25. Sommer, F. (2024). Islamic and sectarian or secular and nationalist? New classification of Iraqi Shi'a political actors based on ideological anchorage. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1-25. <https://doi.org/10.1080/13530194.2024.2373066>
26. Waisy, K. S. (2024). The Political Parties and Groups in Iraqi Kurdistan Region. *Arab Journal of Humanities and Social Studies*, (1), 35-54. Retrieved from <https://ajhass.com/index.php/pub/article/view/3>